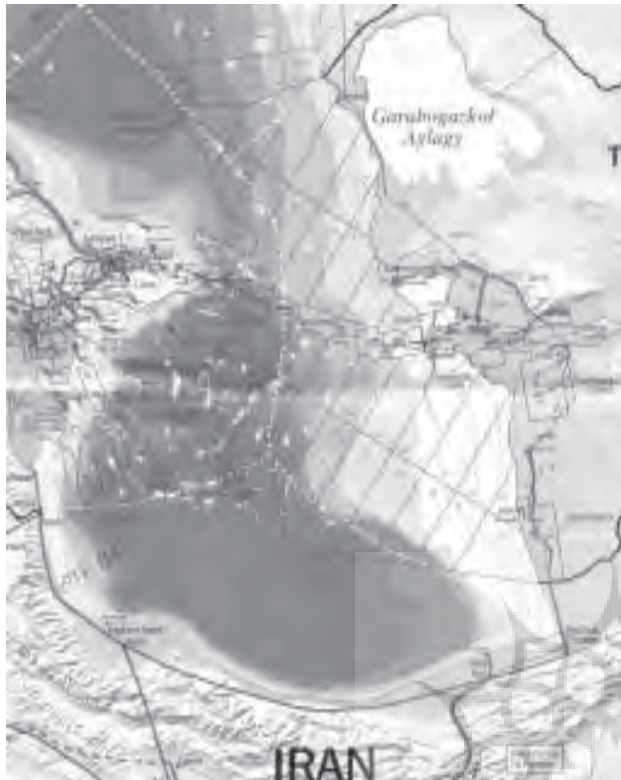




وضعیت انرژی دریای خزر

سیدمحمد تقی موسوی نیا
کارشناس علوم سیاسی و امور بین الملل



مقدمه

همان گونه که مستحضرید اهمیت دریای خزر و نقش کلیدی آن در معادلات منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز به علت وجود ذخایر عظیم نفت و گاز آن و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه بر کسی پوشیده نیست. در این میان قرار گرفتن کشورمان در بطن مسایل فوق و وجود اختلافات حقوقی و جغرافیایی متعدد در نحوه و میزان استفاده از ذخایر غنی آن، اهمیت آن را دوچندان می نماید. به همین جهت طرح موضوع حاضر به تبیین وضعیت موجود کمک کرده و راه را جهت حصول نتایج بهتر در عرصه دیپلماسی هموار می سازد.

میزان ذخایر نفت و گاز کشورهای حاشیه‌ی دریای خزر

منطقه‌ی خزر، منطقه پهناوری است که از قفقاز در غرب تا آسیای مرکزی در شرق کشیده شده و دریای خزر آن را به بخش‌هایی تقسیم می کند و در عین حال این بخش‌ها را به یکدیگر مرتبط می سازد. به عبارت دیگر، می توان قفقاز، خزر و آسیای مرکزی را همچون یک منطقه جغرافیایی در نظر گرفت و نام منطقه خزر - آسیای مرکزی به آن نهاد. با افزایش تولید نفت خام در این منطقه، کاهش نفت خام دریای شمال جبران خواهد شد و این موضوع بر اهمیت منطقه از دیدگاه کشورهای اروپایی مصرف کننده نفت دریای شمال خواهد افزود. براساس ارقام و اطلاعات منتشره از سوی مقامات رسمی کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای ساحلی دریای خزر، این منطقه دارای منابع عظیم نفتی با ذخایر مکتوفی نفت خام و گاز طبیعی می باشد. طبق محاسبات و برآوردهای انجام شده،

ذخایر نفت خام ثابت شده در این منطقه تا خلیج فارس امتداد می یابد. کشف این ذخایر در میان کشورهای جهان سوم و انتظار رشد اقتصادی این کشورها در سال های آینده و پیش بینی مصرف قابل ملاحظه‌ی نفت در سال های بعد از ۲۰۰۰ میلادی از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای مقایسه می توان گفت میادین نفت کشورهای ساحلی دریای خزر بیش از سه تا چهار برابر ذخایر نفت کشورهای اروپایی دارای ذخایر ثابت شده نفت خام یا حدود پنجاه میلیارد بشکه است و آینده روشن تری برای کشورهای این منطقه از جهان پیش بینی می شود. وضعیت ذخایر نفت و گاز کشف شده و مشخص کشورهای ساحلی دریای خزر به صورت تفکیک شده به قرار ذیل می باشد.

قزاقستان

در اتحاد جماهیر شوروی سابق، قزاقستان دومین کشور بزرگ از نظر وسعت جغرافیایی و نیز دومین تولیدکننده بزرگ نفتی بعد از روسیه است.

تولید نفت این کشور از ۴۸۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۳۷۳ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ کاهش یافت و بعد از آن تولید آن رو به افزایش گذارد و به ۵۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۱ رسید و سپس بار دیگر به تدریج تولید آن تا ۴۴۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافت. نفت تولید شده این کشور در سال ۱۹۹۵، ۶/۱ درصد کل تولید نفت اتحاد جماهیر شوروی سابق در این سال بود. مصرف نفت این کشور به طور اساسی در دهه گذشته کاهش یافته است. به طوری که میزان مصرف از ۴۱۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ به ۲۴۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است. بر طبق آخرین آمار و ارقام و اطلاعات منتشره، ذخایر نفت خام در کشور قزاقستان بالغ بر ۹۵ میلیارد بشکه است. این مقدار نفت خام مربوط به ۲۲ حوزه نفتی در شمال شرقی است که بیشترین منابع نفت خام را داراست و از مهمترین میدان های نفتی مربوط به تنگیز که یکی از عظیم ترین میادین نفتی جهان به شمار می رود می باشد. بر طبق گزارش هایی میزان استحصال از این میدان نفتی حدود ۱۷ میلیارد بشکه می باشد. بیشترین تولید روزانه از این میدان حدود ۷۰۰ هزار

بشکه برنامه‌ریزی شده است. در حالی که میزان تولید گذشته‌ی این میدان فقط محدود به ۱۵۰ هزار بشکه در روز بوده است. در حال حاضر شرکت‌های شورون و موبیل با همکاری‌هایی که با کشور قزاقستان دارند، سطح تولید را در آینده افزایش خواهند داد. بر طبق برنامه‌های اجرایی پیش‌بینی شده تولید نفت از میدین نفتی قزاقستان از ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵، افزایشی در حدود ۱/۲ تا ۱/۷ میلیون بشکه در روز به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ خواهد داشت. همچنین میزان ذخایر گاز طبیعی کشف شده و قطعی این کشور براساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) در ژوئن سال ۲۰۰۰، ۸۳-۵۳ تریلیون فوت مکعب می‌باشد.

ترکمنستان

در سال‌های اخیر، تولید نفت در کشور ترکمنستان به شدت کاهش یافته و از ۳۱۳ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۷۸ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۴ رسیده است، که این میزان ۱/۸ درصد کل تولید نفت اتحاد جماهیر شوروی سابق در آن سال بوده است. ذخایر ثابت شده نفت ترکمنستان در حدود ۱/۴ میلیارد بشکه (۲/۱ درصد کل ذخایر نفت اتحاد شوروی سابق) می‌باشد و ذخایر نفت قابل استحصال واقعی آن حداقل ۴/۲ میلیارد بشکه پیش‌بینی می‌شود که می‌تواند روزانه ۹۳ هزار بشکه در روز تولید کند.

همچنین میدان‌های عمده گاز ترکمنستان بیشتر در شرق این کشور قرار دارند که با دارا بودن ۱۰ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی، مقام دومین کشور از اتحاد جماهیر شوروی سابق و چهارمین کشور در بین کشورهای جهان را داراست که این مقدار، ۵/۲ درصد کل ذخایر گاز اتحاد شوروی سابق می‌باشد. این کشور در سال ۱۹۹۵، به میزان ۳۰/۱ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی تولید کرده است.

ترکمنستان دارای دو پالایشگاه می‌باشد که در Chardzou و Krashovodsk قرار دارند و کل ظرفیت آنها حدود ۲۳۶ هزار بشکه در روز است. نرخ بهره‌گیری و استفاده از این پالایشگاه‌ها حدود ۴۹ درصد است و برای آن که آنها قادر به تولید فرآورده‌هایی با کیفیت بهتر باشند، لازم است که کاملاً مدرنیزه شوند. صنعت نفت ترکمنستان از مهمترین صنایع کشور و ترکمنستان امیدوار است با کمک سرمایه‌های خارجی، نفت خود را استخراج نماید. از چند شرکت خارجی که در زمینه اکتشاف و

استخراج نفت در ترکمنستان فعالیت دارند، شرکت بریتانیایی به نام "مانیومنت اوپیل" است که رهبری کنسرسیوم احداث خط لوله‌ای که نفت ترکمنستان را به ایران و پس از آن به بازارهای جهانی انتقال می‌دهد بر عهده دارد. گروه انگلیسی هلندی "شل" نیز احداث یک خط لوله جدید ۹۴۰ مایلی که گاز ترکمنستان را به ترکیه و از طریق ایران حمل می‌کند، بر عهده دارند. علاوه بر این کمپانی "صنایع ایران مارین سرویس" در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۰ با همکاری کمپانی "وتبول" روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت را از ترکمنستان به بندرعباس، نزدیک جزیره هرمز در خلیج فارس حمل نمود. در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ شرکت‌های "نوبل" از ایالات متحده، "استیک

به طور منظم از ۳۴۴ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۲۶۴ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته و میزان تولید آذربایجان در سال ۱۹۹۵ با کاهش بیشتر به ۱۸۵ هزار بشکه در روز رسید (متوسط سالیانه کاهش تولید نفت آذربایجان از سال ۱۹۷۵ تا به حال ۳/۱ درصد بوده است).

به هر صورت مصرف نفت این کشور ۱۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ بوده و عملاً میزان مصرف آن در طی چند سال، تغییری نیافته است و همین امر موجب شده که آذربایجان به صادرات مقداری از نفت خام خود ادامه دهد. اخیراً ذخایر نفت و گاز ثابت شده آذربایجان به ترتیب در حدود ۱/۲ میلیارد بشکه نفت (۲/۱



اینترنشنال" از امارات متحده عربی و "لامارگ" از هلند قراردادهایی در زمینه‌ی اکتشاف نفت با کشور ترکمنستان امضا کردند. شرکت نفتی "الف" و شرکت ایتالیایی "T.P.I." و شرکای محلی مشترکاً ذخایر سورت‌آباد را توسعه خواهند داد. ذخایر این میدان به ۱/۳۷ میلیارد متر مکعب بالغ می‌گردد.

جمهوری آذربایجان

تولید نفت در باکو در قرن نوزدهم آغاز شد و در ابتدای قرن بیستم نیمی از تولید نفت جهان از آذربایجان تامین می‌شد. در سال ۱۹۴۱ این کشور ۷۰ درصد کل تولید نفت خام اتحاد جماهیر شوروی سابق (F.S.U) را تولید می‌کرد. اما این میزان در سال ۱۹۹۵ به ۲/۶ درصد کاهش یافت. تولید این کشور که در بالاترین سطح حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود، پس از جنگ جهانی دوم کاهش یافت و اتحاد شوروی سابق به سمت منابعی دیگر گرایش یافت. در طی دو دهه گذشته، تولید نفت آذربایجان

درصد کل ذخایر نفت اتحاد شوروی سابق) و ۰/۱ تریلیون متر مکعب گاز (۰/۲ کل ذخایر گاز اتحاد شوروی سابق) قرار گرفته است. پتانسیل ذخایر نفت خام آذربایجان تا ۱۵ میلیارد بشکه برآورد شده است. دو پالایشگاه آذربایجان جمعاً ۴۴۱ هزار و ۸۰۸ بشکه در روز ظرفیت پالایش دارند. نرخ بهره‌گیری از این پالایشگاه‌ها ۶۵ درصد می‌باشد. پالایشگاه باکو ترکیب ساده‌ای از فرآورده‌های نفتی را داراست، حال آن‌که پالایشگاه نوو-باکو دارای ترکیب پیچیده‌تری می‌باشد و فرآورده‌های سبک عمده‌تری را عرضه می‌کند.

جمهوری آذربایجان اولین کشوری در دریای خزر بود که از سرمایه‌گذاری و دانش تخصصی غرب به منظور استخراج منابع نفتی در منطقه بیشترین موفقیت و بهره را برد. شاهد این امر حجم عظیم نفتی است که اکنون توسط این کشور تولید می‌شود. سالیانی طولانی نیست که از شروع بارش دلارهای نفتی بر جمهوری آذربایجان می‌گذرد. در سال

۱۹۹۴، متعاقب کودتاها و ناآرامی‌ها (در شوروی سابق) که توأم با ظهور جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مستقل بود، شرکت بهره‌برداري بین‌المللی آذربایجان - (AIOC) یک کنسرسیوم مشتمل بر ۱۱ کمپانی نفتی بین‌المللی - امتیاز استخراج در سه میدان نفتی ساحلی این کشور را به دست آورد. این معامله موثری بود که تعهد ۱۱ میلیارد دلاری برای ۳۰ سال جهت اکتشاف و استخراج نفت از میدانی آذری، چراغ و گونشلی را در برداشت. جمهوری آذربایجان به سرعت دریافت که سرمایه‌گذاری و استفاده از فنون غرب مستلزم منابع جدید اکتشاف خواهد بود. تا این تاریخ جمهوری آذربایجان در مجموع ۲۱ طرح بخش تولید را به شرکت‌های بین‌المللی، ترجیحاً شرکت‌های غربی واگذار کرده است. در نتیجه، هم‌اکنون برنامه‌ریزی شده تا سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۲۴ در این کشور جریان پیدا کند که ۴ میلیارد دلار از آن تحقق پیدا کرده است.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که ذخایر ۲۸ میلیارد بشکه نفت در بخش ساحلی متعلق به جمهوری آذربایجان وجود دارد. در حال حاضر، نفت از مجموع ۵۳ میدان نفتی استخراج می‌شود که ۱۷ مورد آن در ساحل دریای خزر است. کشف بیش از ۲۸ میدان ذخیره نفت و گاز طبیعی و بیش از ۱۴۵ ساختار جغرافیایی که بیان‌کننده بشارت و نوید بزرگی است در سال‌های اخیر به تحقق پیوسته است.

فدراسیون روسیه

فدراسیون روسیه به عنوان بزرگترین ذخایر گاز طبیعی و دومین ذخایر زغال سنگ و اولین صادرکننده گاز در جهان و دومین صادرکننده زغال سنگ در دنیاست. میزان ذخایر مکشوفه و قابل استخراج نفت روسیه در سال ۲۰۰۰، ۵۵-۴۹ میلیارد بشکه و تولید نفت خام این کشور در سال ۲۰۰۰، ۶/۶ میلیون بشکه در روز بوده است.

در طی دو دهه‌ی گذشته، تولید نفت در این کشور از حدود ۸/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵، به حداکثر خود در پایان دهه ۱۹۸۰، یعنی حدود ۱۱/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. به هر جهت به علت عدم سرمایه‌گذاری و فقدان تکنولوژی لازم، تولید نفت از سال ۱۹۸۹ رو به نزول نهاده و به ۶/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ رسیده است. سهم این کشور از کل تولید نفت اتحاد شوروی سابق از ۹۱ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۸۶ درصد در سال ۱۹۹۵

کاهش یافته است. مصرف نفت نیز در فدراسیون روسیه از ۵/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۹ به ۲/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است.

ذخایر ثابت شده نفت و گاز این کشور در پایان سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۴۹ میلیارد بشکه نفت (۸۶ درصد از کل ذخایر نفتی اتحاد شوروی سابق) و ۴۸/۱ تریلیون متر مکعب گاز (۸۶ درصد از کل ذخایر گاز اتحاد جماهیر شوروی سابق) بوده است.

بخش پالایش در روسیه عمدتاً فرسوده و از کار افتاده است و نیاز به تکنولوژی خارجی و سرمایه انبوه برای مدرنیزه شدن دارد. حدود ۲۹ پالایشگاه بزرگ و تعدادی پالایشگاه کوچکتر جمعا با ظرفیت ۶/۷ میلیون بشکه در روز در این کشور وجود دارد. از سال ۱۹۹۵ روسیه تقریباً حدود ۲/۷ میلیون بشکه



در روز مازاد ظرفیت تقطیر داشته است و هیچ منطقه یا کشور دیگری چنین مازاد عظیم ظرفیت پالایش را ندارد.

جمهوری اسلامی ایران

میزان ذخایر مکشوفه و قابل استخراج نفت ایران براساس آمار سال ۲۰۰۱، ۸۹/۷ میلیارد دلار و تولید نفت خام مطابق سهمیه اوپک در آوریل ۲۰۰۱، ۳/۵۵۲ میلیون بشکه در روز بوده است. بر این اساس میزان کل تولید این کشور ۳/۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۱ و مصرف داخلی آن در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱/۲ میلیون بشکه می‌باشد.

براساس برآوردهای انجام شده، میزان نفت خام کشف و ثابت شده، با ۹ درصد از کل جهان نزدیک به ۹۰ میلیارد بشکه می‌باشد. بیشترین

تولیدات فعلی از میدانی اهواز - تنگستان به میزان ۲۵۰ هزار بشکه و امکان افزایش تولید تا ۶۰۰ هزار بشکه ظرف ۸ سال آینده با سرمایه‌گذاری حدود ۲/۵ میلیارد دلار می‌باشد. پس از آن استخراج نفت خام از میدانی نفتی مارون، گچساران است. براساس برآوردهای انجام شده، ظرفیت کل تولید نفت خام ایران در سال ۲۰۰۱ نزدیک به ۴ میلیون بشکه که حدود ۳/۸ میلیون بشکه تولید می‌گردد. در صورتی که سرمایه‌گذاری به اندازه کافی در صنعت نفت ایران انجام گیرد، میزان تولید در سال ۲۰۰۵ به ۴/۸ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۱۰ به ۵/۶ میلیون بشکه و در سال ۲۰۲۰ به ۸ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت. ایران در اکتبر ۱۹۹۹ موفق به کشف بزرگترین میدانی نفتی در کشور به نام آزادگان گردید.

براساس برآوردها، میزان صادرات نفت خام در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار خواهد شد که کل این میزان حدود ۵۰ درصد کل درآمد دولت را تشکیل می‌دهد و انتظار می‌رود بر اثر این میزان صادرات نفت خام، رشد تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۵ درصد برسد.

همچنین ایران با حدود ۸۱۲ تریلیون فوت مکعب گاز دومین دارنده گاز در جهان پس از روسیه است. به علت مصارف زیاد گاز در کشور، رشد تولید در صنعت گاز حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد سالانه پیش بینی می‌گردد. در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت ایران، قابل ذکر است که این اقدام از نظر قانون اساسی با مشکلاتی روبه‌روست. بدین منظور ایران برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف صنایع نفت خود، از قراردادهای بای‌بک (بیع متقابل) استفاده می‌کند که با این اقدام تاکنون ۲۱ میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری برای بسیاری از میدانی مشترک و بعضی از میدانی در خشکی ایجاد شده است.

خطوط انتقال نفت و گاز دریای خزر

عدم دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد نه تنها این کشورها را در توسعه اقتصادی و ارتباط با جهان و بازارهای مصرف با دشواری مواجه می‌سازد، بلکه این امر موجب نوعی وابستگی به کشورهای مسیر انتقال با ترانزیت می‌گردد که تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر وضعیت ژئوپلیتیک منطقه دارد. مثال بارز این وضعیت انتقال منابع انرژی است که از یک موضع تجاری و اقتصادی به مساله‌ای سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل

گردیده است.

در واقع از زمانی که کنسرسیوم نفتی موسوم به آیوک در سپتامبر ۱۹۹۴ تشکیل گردید، چگونگی انتقال منابع هیدروکربن دریای خزر با توجه به محصور بودن سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، در محافل سیاسی و نفتی جهان مطرح گردید و همواره از موضوعات مهم بین‌المللی بوده است.

در بحث انتقال نفت و گاز، عوامل اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و شرکت‌های بزرگ نفتی نیازمند اطمینان از میزان انرژی در منطقه و قیمت نفت در بازارهای جهانی هستند. لذا شرکت‌های نفتی برای سالیان متمادی به مساله انتقال نفت از راه‌های مختلف نگریسته‌اند و برای آنان راه و مسیر انتقال، صرفاً از نظر سوددهی و امنیت آن دارای اهمیت است.

در حالی که برای آمریکا و سیاست خارجی این کشور، هدف اصلی و استراتژیک، دور نگه‌داشتن روسیه و ایران از این مساله است. هدف دیگر آمریکا کشاندن جمهوری‌های سابق شوروی به دامن بلوک غرب و تقویت ترکیه، متحد ناتو به عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد. به عقیده کارشناسان، آمریکا و شرکای آن کشور در کنسرسیوم، با بزرگ‌نمایی عمدی میزان ذخایر نفت در دریای خزر در پی دستیابی به اهدافی بلندمدت می‌باشند که از جمله آن می‌توان به محدود کردن نقش روسیه و ایران در معادلات استراتژیک منطقه‌ای و همچنین قلمداد کردن روسیه به عنوان مخالف پیشرفت و ترقی دیگر جمهوری‌های حاشیه دریای خزر، که بدین طریق با بی‌اعتمادی کشورهای ساحلی به روسیه و کم‌رنگ شدن نفوذ سنتی روسیه در بین کشورهای آمریکا و متحدین آن از خلاء قدرت روسیه استفاده کرده و زمینه را جهت پیشبرد مقاصد بلندمدت استراتژیک خود مهیا می‌سازند. در حال صرف نظر از ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیکی، انتقال نفت و گاز در درازمدت مستلزم توجه به نکات ذیل است.

- امنیت مسیرهای انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی

- توجه به عوامل قانونی، تجاری مالی و اتحاد تصمیمات مربوط به ترانزیت انرژی

- توجه به توسعه بخش حمل و نقل نفت و گاز علاوه بر این بایستی به خطرات غیر قابل اجتناب عبور لوله از مناطق فاقد ثبات سیاسی، مشکلات ناشی از ساختار مالیاتی کشورهای مسیر

و جنبه‌های محیطی احداث خطوط لوله توجه کرد. البته همان طور که اشاره شد، در توسعه اقتصادی منابع انرژی دریای خزر، قیمت نفت در بازارهای جهانی عامل بسیار مهمی محسوب می‌گردد. زیرا که پایین بودن قیمت نفت به همراه هزینه انتقال که ۲ تا ۴ دلار به ازای هر بشکه محاسبه شده است، امکان توسعه سریع منابع انرژی دریای خزر را دشوار می‌سازد.

به نظر آمریکا انتقال نفت از طریق روسیه، موجب برخورداری این کشور از توان قابل ملاحظه‌ای برای اعمال فشار بر کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان می‌گردد. کشورهای منطقه نیز با این امر موافقت دارند و خواهان صادرات انرژی از مسیری غیر از روسیه هستند، زیرا که اتکالی به شبکه خطوط لوله روسیه

در حال حاضر، نفت، از مجموع ۵۳ میدان نفتی استخراج می‌شود که ۱۷ مورد آن در ساحل دریای خزر است

تجربه‌ی خوشایندی به دنبال نداشته است. به طور کلی مساله انتقال نفت و گاز از منطقه به بازارهای جهانی از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا که تمامی تلاش‌ها و اقدامات کشورهای منطقه و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در گرو موفقیت در این زمینه می‌باشد. همچنین در این رابطه مسایلی چون هزینه انتقال نفت و قابلیت رقابت آن در بازارهای مصرف از نظر قیمت، نحوه تامین مالی پروژه‌های انتقال نفت و گاز و بخصوص انتخاب مسیر و کشورهای محل عبور این خطوط لوله، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

طرح خط لوله انتقال نفت آسیای مرکزی که اخیراً توسط آمریکا با گذر از بستر دریای خزر پیشنهاد

شده، مورد مخالفت شدید جمهوری اسلامی ایران و روسیه قرار گرفته است. اگر چه ترکمنستان ابتدا با این طرح موافقت کرده و پیش‌نویس آن را صفرمراد نیازوف در سفر خود به آمریکا امضا کرد، ولی به علت مخاطرات زیست محیطی آن برای دریای خزر و نیز زلزله‌خیز بودن بستر دریا، اکنون این کشور نیز تمایلی به اجرای آن ندارد و انجام آن را منوط به مطالعه همه جانبه و تجزیه و تحلیل اقتصادی و زیست محیطی کرده است؛ زیرا جمهوری ترکمنستان که بیشترین قلمرو آن را صحرای تشکیل می‌دهد، فقط در سواحل دریای خزر امکانات اقلیمی مناسبی برای بهره‌گیری از محیط طبیعی دارد و تقریباً مهمترین سواحل این دریا را در اختیار دارد و نمی‌خواهد آن را آلوده سازد. از طرفی دیگر، بدون اتصال منابع نفت آسیای مرکزی به خطوط انتقال نفت جمهوری آذربایجان- گرجستان- ترکیه (باکو- جیحان) از طریق دریای خزر، این خط انتقال، اقتصادی نخواهد بود و ایالات متحده و شرکای آن در کنسرسیوم دریای خزر تمایلی به برقراری خط جمهوری آذربایجان- ترکیه به صورت مجزا ندارند. قزاقستان با توجه به دوری به این راه و عدم امنیت آن به دلیل گذر از چند کشور منطقه بحرانی قفقاز و آناتولی و امکان برخورداری از خط لوله شرق به طرف چین و ژاپن، تمایلی به پیوستن به آن ندارد. اگر چه آمریکا با این مساله مخالف است. زیرا سطره این کشور بر منافع انرژی را کاهش می‌دهد و انتقال انرژی به شرق آسیا را از کنترل او خارج می‌سازد که مخالف استراتژی این کشور است.

تعیین مسیر انتقال نفت جمهوری آذربایجان و دریای خزر مساله پیچیده‌ای را به وجود آورده که هنوز هم به طور کامل حل نشده است.

مسکو در پی تحمیل اراده سیاسی خود بر قفقاز است. بحران قره باغ و پیشروی ارامنه و جنبش‌های مخالف دولت در باکو و گنجه به عنوان نقاط فشار روسیه به جمهوری آذربایجان برای تحمیل اراده سیاسی مسکو عمل کرده که در ارتباط با استخراج و تولید نفت در جمهوری آذربایجان است.

با وجودی که اغلب کارشناسان اقتصادی جهان، نزدیکترین و در عین حال ارزانه‌ترین و امن‌ترین مسیر انتقال نفت آسیای مرکزی و قفقاز را مسیر ایران می‌دانند، با این وجود ایالات متحده در دور نگه داشتن ایران از این طرح اصرار می‌ورزد. این امر نشان‌دهنده اتخاذ ملاحظات سیاسی به جای ملاحظات اقتصادی است.